

مقدمه آسیب شناسی روانی / اجتماعی

تهیه و تدوین: دکتر اصغر آقایی

آسیب شناسی (Pathology)

یعنی : علم بیماری ها و احتمالات

ریشه کلمه **path** یا **Patho** به معنی شناخت و پساوند «شناسی» ترکیب شده است

در زبان فارسی، ناخوشی شناسی ، علم تشخیص امراض، مطالعه علائم غیر عادی، انحراف از حالت طبیعی و ... ترجمه شده است

واژه آسیب شناسی از دیدگاه پزشکی به فرآیند ریشه یابی بیماری ها گفته می شود اما به سبب اینکه گاهی تشخیص بیماری از سلامتی دشوار است

از این رو، جامعه شناسانی که این واژه را وام گرفته اند و از آن آسیب شناسی اجتماعی (**social pathology**) ساخته اند، به سختی قادرند بگویند که در جامعه مرزهای تثبیت شده هنجارهای فرهنگی چگونه است

با وجود این، مسلم است که اگر هنجار پذیرفته شده از سوی افراد جامعه نادیده گرفته شود آنگاه کثرت رفتاری به وجود می آید و کردار و رفتار انسان شکل و شمایل بیماری به خود می گیرد.

(Social Pathology) آسیب شناسی اجتماعی

جامعه شناسانی که واژه پاتولوژی را از فرهنگ پزشکی به منظور اشاره به دردها و بیماری های اجتماعی به عاریت گرفته اند

انحراف از هر نوع هنجار اجتماعی یا (social norm)

وهراختلالی در کارکرد نظام اجتماعی یا (social system)

را به گونه ای به مبحث آسیب شناسی اجتماعی ربط داده اند

و مباحث مربوط به انحرافات، ناهنجاری ها، اختلالات رفتاری، بزهکاری ها و به طور عام مسائل و مشکلات اجتماعی را

تحت مبحث کلی تری تحت عنوان : دردشناسی یا آسیب شناسی اجتماعی مطرح می کنند.

براین اساس ، طلاق ، همسرآزاری ، خودکشی، اعتیاد و فحشا از انواع آسیب های اجتماعی تلقی می شوند

باید دقت کرد که آسیب اجتماعی با مشکلات اجتماعی متفاوت است.

مفهوم آسیب شناسی از علوم زیستی گرفته شده است.

اهداف مطالعه آسیب شناسی اجتماعی

- (۱) مطالعه و شناخت آسیب های اجتماعی و علل و انگیزه های پیدایی آن ها و نیز بررسی شخصیت کژرفتاران، و ویژگی های جسمانی، روانی، فرهنگی و اجتماعی آنان. شناخت درست دردها و آسیب ها، نخستین شرط چاره جویی و بیش از نیمی از درمان است.
- (۲) پیش گیری از آسیب های اجتماعی به منظور بهسازی محیط زندگی جمعی و خانوادگی. از آنجا که پیش گیری همواره ساده تر، عملی تر و کم هزینه تر از درمان است، دارای اهمیت بسیار می باشد.
- (۳) درمان آسیب دیدگان اجتماعی با به کارگیری روش های علمی و استفاده از شیوه های مناسب برای قطع ریشه ها و انگیزه های آنان.
- (۴) تداوم درمان برای پیش گیری و جلوگیری از بازگشت مجدد کژرفتاری و بررسی شیوه های بازپذیری اجتماعی

اهداف

بسیاری از آسیب شناسان اجتماعی بر آنند که برای مبارزه با کژرفتاری ها باید زمینه اجتماعی آن ها را از میان برداشت، و برای حصول این منظور رعایت دو اصل ضروری است:

- الف. سالم کردن محیط اجتماعی کودکان یعنی خانواده
- ب. سالم سازی محیط اجتماعی همگان یعنی جامعه.

آسیب شناسی اجتماعی

به عبارتی ، آسیب شناسی اجتماعی

مطالعه بی سازمانی های اجتماعی نظیر فقر، بیکاری، تبهکاری و... همراه با علل و عوامل و شیوه های درمان آنان

و هم چنین شرایط بیمارگونه و نابهنجار اجتماعی است

این مفهوم دارای گستره ای بسیار وسیع است و از ابعاد ارزشی فراوانی نیز برخوردار است

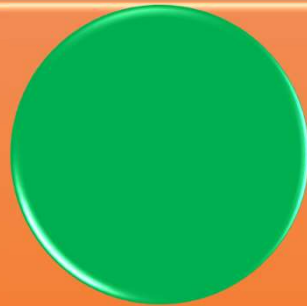
اما در مورد قلمروی آن اتفاق نظر نیست

آسیب اجتماعی به هر نوع عمل فردی یا جمعی اطلاق می شود که در چارچوب اصول اخلاقی و قواعد عام عمل جمعی رسمی و غیررسمی جامعه قرار نمی گیرد و در نتیجه با منع قانونی و یا قبح اخلاقی و اجتماعی روبه رو می شود

به همین دلیل مجرمان سعی دارند که رفتارهای خلاف و مجرمانی های خود را از دید ناظران قانون، اخلاق عمومی و نظم اجتماعی پنهان نمایند

زیرا در غیر این صورت با پیگرد قانونی، تکفیر اخلاقی و طرد اجتماعی مواجه می شوند.

Comorbidity ابتلای همزمان



به بروز همزمان دو یا چند اختلال روانی در یک فرد اطلاق می شود

به عنوان مثال :

در افرادی که با وابستگی کوکائین یا تریاک و یا الکل به مراکز درمانی مراجعه می کنند ، سایر اختلالات روانی شیوع بالاتری دارد



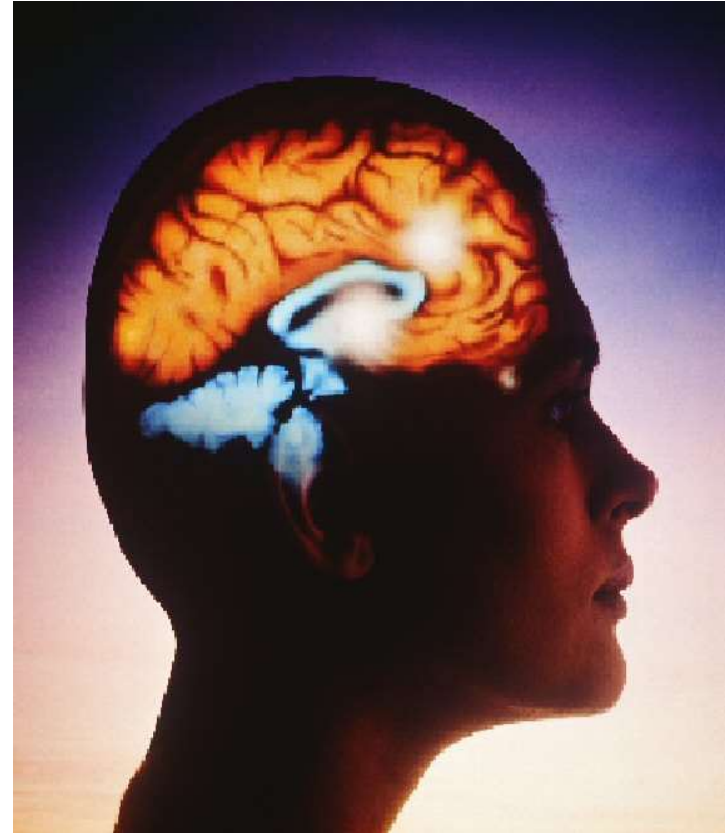
هنجار (Norm)

رفتار اجتماعی افراد و گروه‌ها بر طبق قواعد نوشته و نانوشته انجام می‌شود. هنجارها تعیین‌کننده بایدها و نبایدهای رفتار اجتماعی افرادند که طبق قواعد منبث از آداب، رسوم، هنجارها و سنت‌های یک جامعه، به صورت گفتار و رفتار از نسلی به نسل دیگر منتقل شده است. قواعد رفتار که رفتار مناسب در محدوده معینی از زمینه‌های اجتماعی را مشخص می‌کنند. هنجار یا نوع معینی از رفتار را تجویز می‌کند یا آن را ممنوع می‌کند. همه گروه‌های انسانی از انواع معینی از هنجارها پیروی می‌کنند که همیشه به وسیله نوعی ضمانت اجرایی از عدم تأیید غیررسمی گرفته تا مجازات فیزیکی، اقدام به پشیمانی می‌کند.

هنجار (Norm)

جامعه‌شناسان و علمای علوم اجتماعی خصوصاً پیروان مکتب جامعه‌شناسی نظم و کارکردگرایی بر این باورند که حیات اجتماعی بر واقعیتی به نام هنجار استوار است. هنجارها قواعد رفتار اجتماعی به شمار می‌آیند که اجرای اصول و قواعد رفتاری هر جامعه را تضمین می‌کنند. بقا و استمرار حیات هر جامعه در گروی متابعت اعضای جامعه از هنجارها و ارزش‌های فرهنگی مقرر است. با وجود این، در همه جوامع بشری همه افراد به یکسان از هنجارها و ارزش‌های اجتماعی پیروی نمی‌کنند از این رو جامعه اطاعت کنندگان هنجارهای اجتماعی را هم‌نوا و ناقض آن را ناهم‌نوا می‌نامند.

PSYCHOPATHOLOGY



بهنجاری چیست؟

تعریف بهنجاری از نابهنجاری
دشوارتر است به ویژه در
جامعه ای پیچیده که به
سرعت در حال دگرگونی
است.

روان شناسان سازگاری فرد را در برابر محیط مورد توجه قرار داده اند و ویژگی هایی از شخصیت را بهنجار تلقی کرده اند که به فرد کمک می کنند تا خود را با جهان پیرامون خویش سازگار سازد، یعنی با دیگران در صلح و صفا زندگی کند و جایگاهی در جامعه برای خود بدست آورد. در این راستا بر ویژگی های مثبتی چون فردیت، آفرینندگی و شکوفایی استعدادهای بالقوه تاکید دارند.

اکثر روان شناسان ویژگی های زیر را نمودار بهزیستی عاطفی می دانند

ویژگی هایی که فرد بهنجار بیشتر از آنها برخوردار است تا فردی که نابهنجار شناخته می شود.

۱- کار آمدی در ادراک: افراد بهنجار واقع بینی در خورتوجهی در ارزیابی واکنش ها و قابلیت های خود و در تغییر آنچه در دنیای اطرافشان می گذرد نشان می دهند.تفسیر بیش از حد ندارند.

۲- خود شناسی: افراد سازگار تا حدودی به انگیزه ها و احساسات خود وقوف دارند.

۳- توانایی در کنترل اختیاری رفتار: افراد بهنجار اطمینان کافی دارند که می توانند رفتار خود را کنترل کنند.

۴- عزت نفس و پذیرش: افرادی که سازگاری خوبی دارند تا حدودی این احساس را دارند که آدمی هستند با ارزش و مورد قبول اطرافیان خود.

۵- توانایی برقراری روابط محبت آمیز

۶- باروری: می توانند توانایی های خود را در مسیر فعالیت های بارور به کار اندازند، زندگی را دوست دارند و بی آنکه نیازی به تقدیر داشته باشند از پس الزامات زندگی بر می آیند.

شاخصه های سلامت روانی از
دیدگاه قرآن کریم

سلامت روان در قرآن

قرآن فردی را سالم و سلیم النفس می داند که با تکیه بر فطرت توحیدی از ایمان در قلب برخوردار بوده و در رفتار با ایجاد تعادل میان قوای متضاد درونی و نیز تقابلات بیرونی و درونی برخاسته از غرایز و محیط ، بهترین شیوه را در دستیابی به خوشبختی و قرب الی الله برگزیند . از نظر قرآن کسانی که در عقیده کفر و در عمل نفاق را برگزیدند از سلامت روانی برخوردار نبوده و دچار بیماری روانی هستند .
« فی قلوبهم مرض فزادهم الله مرضا » (بقره / 10) .

روان رنجوری تنها در رفتار نیست بلکه
در عقیده و ایمان نیز راه می یابد. از
آنجایی که تعادل شخصیت یعنی تعادل
فرد در ایمان به خدا و عمل صالح پس
عدم تعادل در هر یک از آن دو موجب
«روان رنجوری» فرد بوده و فرد از
سلامت روانی برخوردار نخواهد بود.

نشانه های سلامت روان

الف- آرامش روانی

ب- خودکفایی و استقلال در فعالیت ها و بهره گیری از نتایج

ج - خشنودی از خود و دیگران

د - توانایی کنترل نفس

ه - توانایی پذیرش مسوولیت

و- توانایی فداکاری و ایثار

ز- توانایی ایجاد ارتباط درست با دیگران

ح- گزینش اهداف واقعی

ط- احساس خوشبختی و سعادت

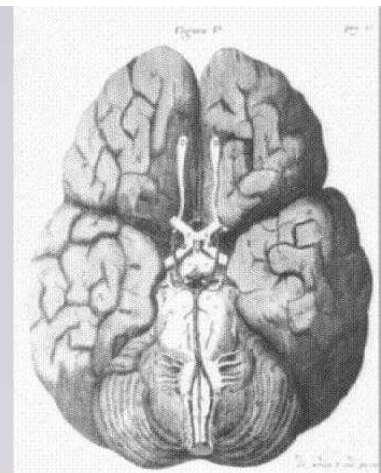
آرامش روانی در سه چیز نمودار می شود

۱- توانایی در برخورد با بحران ها؛ و این به توانایی فرد در استواری و بردباری و مقاومت در برابر رنج ها، مصیبت ها، سختی ها و شکست های گوناگون برمی گردد، بدون آن که تعادل روانی سلامت روان خود را از دست دهد.

۲- توانایی شکیبایی در سختی ها

۳- توانایی درک درست آینده و خوش بینی به آن

ABNORMAL



نابهنجاری روانی

بیشتر کوشش های که برای توصیف نابهنجاری صورت گرفته مبتنی بر یک یا چند تعریف از تعریف های زیر است .

۱- انحراف از هنجارهای آماری: کلمه نابهنجار دور از هنجار وقتی بسیاری از ویژگی هایی مثل قد، وزن و هوش را در جمعیتی اندازه گیری کنیم دامنه ای از مقادیر مختلف به دست می آید. اکثر مردم در گستره میانی توزیع قرار می گیرند و چند نفری نیز به طور استثنایی بلند یا کوتاه هستند یکی از تعاریف بهنجاری بر فراوانی (بسامدی) آماری استوار است: طبق این تعریف: رفتار بهنجاری، رفتاری است که از لحاظ آماری کم بسامد است ، یا از هنجار انحراف دارد. اما بر اساس این تعریف فردی که بسیار باهوش یا بسیار خوشحال است در زمره افراد نابهنجار قرار می گیرد.

۲- انحراف از هنجارهای اجتماعی

هر جامعه معیارهای ویژه یا هنجارهای برای رفتارهای قابل قبول دارد رفتاری که بطور مشخص از این معیار منحرف شده باشد، نابهنجاری در نظر گرفته شود چند مشکل پیش می آید.

الف) رفتاری که در یک جامعه بهنجار تلقی می شود ممکن است در جامعه دیگر نابهنجار بنظر آید.

ب) مفهوم نابهنجاری در طول زمان در یک جامعه تغییر می کند.

بنابراین طبق این ملاک ، بهنجاری و نابهنجاری از جامعه ای به جامعه دیگر و از زمانی به زمان دیگر در یک جامعه فرق می کند.

۳- غیر انطباقی بودن رفتار

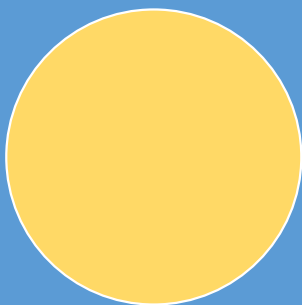
بسیاری از دانشمندان علوم اجتماعی معتقدند که مهم ترین ملاک در تعریف رفتار نابهنجار این است که چگونه رفتاری بر بهزیستی فرد یا گروه اجتماعی اثر می گذارد .

برطبق این ملاک، رفتاری نابهنجار است که غیر انطباقی باشد . یعنی پیامدهای زیانباری برای فرد یا اجتماع داشته باشد . اگر غیر انطباقی بودن را ملاک قرار دهیم ، تمام رفتارها نابهنجار به حساب می آیند.

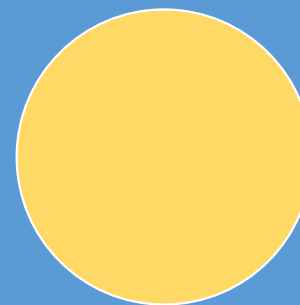
۴- پریشانی شخصی

این ملاک به احساس
پریشانی فرد توجه دارد
تا رفتاری وی

۵- تعریف حقوقی نابهنجاری



تعریف حقوقی نابهنجاری که براساس آن
شخص دیوانه اعلام می شود، بیشتر
مبتهی است بر ناتوانی شخص در قضاوت
بین درست و نادرست یا ناتوانی وی در
کنترل رفتار خود.



این تعریف از همه تعاریف از لحاظ اهداف
تشخیص کمتر از چهار ملاک دیگر
رضایت بخش است .



تقسیم بندی دکتر پریخ دادستان از ملاک های تمایز رفتار بهنجار و نابهنجار

(۱) دیدگاه مرضی یا آسیب شناختی (براساس علامت شناسی و نشانه های بالینی قابل تشخیص)

(۲) دیدگاه آماری (براساس آمار و منحنی نرمال)

(۳) دیدگاه فرهنگی (براساس محیط اجتماعی

(۴) دیدگاه آرمانی نگر یا تعیین الگوی بهنجاری (الگوی آرمانی بهنجاری)

(۵) بهنجاری به منزله سازش با توقعات خود و با توقعات جهان بیرون (برگرفته از دیدگاه پیازه).

دیدگاه های مختلف درباره رفتار نابهنجار

دیدگاه زیست شناختی

بر نقش عوامل بدنی در ایجاد بیماری های روانی تاکید می کند.

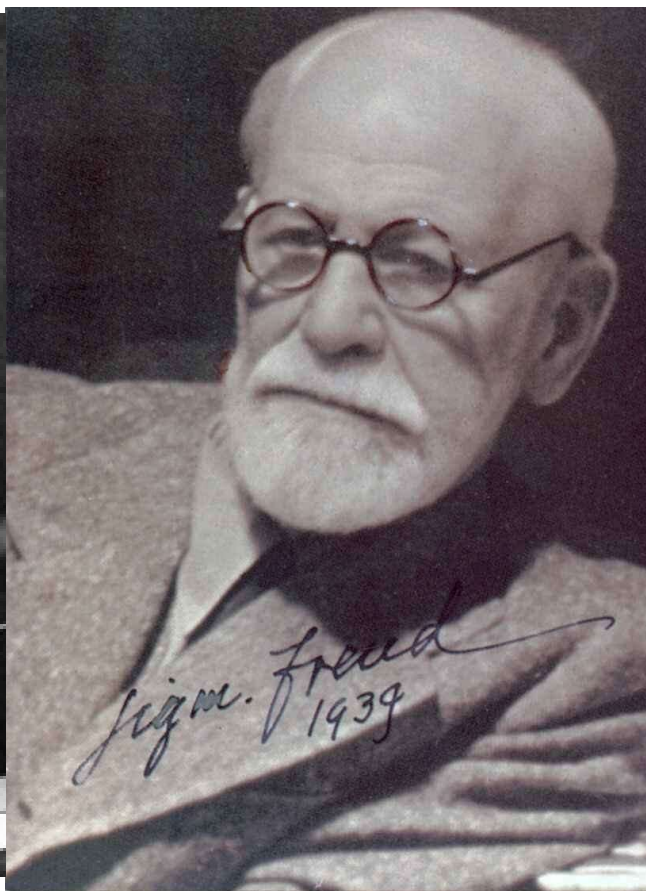
دستگاه عصبی (مغز و سلسله اعصاب) غدد درون ریز، ژن ها و انتقال دهنده های عصبی عامل بیماری محسوب می شوند. این دیدگاه قدیمی ترین دیدگاه است و با استفاده از تصویر نگاری کامپیوتری مغز یا سی تی اسکن ، عکسبرداری تزریق گلوکز و ثبت فعالیت های مغز به بررسی بیماری ها می پردازند. انعکاس پاسخ مغاطیسی هسته ای نیز استفاده می شود. در این دیدگاه روابط مغز و رفتار و تاثیر محیط و وراثت مورد بحث واقع می شود.

درمان : استفاده از داروها ، جراحی و ...

دیدگاه های روان پویایی

این دیدگاه ها عوامل روانی را
به عنوان علل رفتار مورد توجه
قرار می دهند.

مکتب روان کاوی



دیدگاه روان کاوی فروید

به جای تاکید بر عوامل بدنی و زیستی شیمیایی عوامل روانی از قبیل هیجان ، اضطراب ، ناکامی ، تعارض و استرس را مورد تاکید قرار می دهد . او پیش فرض جبر روانی را اظهار داشت که بر اساس آن رفتار خواه آشکار و ناآشکار در گذشته فرد ریشه دارند . ریشه هر بیماری روانی در ناخود آگاه بوده و از گذشته سرچشمه می گیرد .

اضطراب : مهم ترین عامل که بر اساس نظریه فروید علت تمامی بیماری های روانی محسوب می شود اضطراب است . اضطراب را فروید « درد روانی » می نامد . یعنی اولین نشانه اختلال روانی اضطراب است مثل تب در بیماری های جسمانی .

انواع اضطراب

۱- اضطراب واقعی

آدلر: اضطراب بهایی است که بشر کنونی برای بی تمدنی می پردازد.

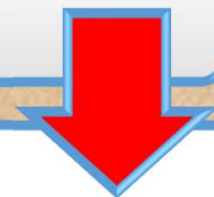
فروید: اضطراب بهایی است که بشر کنونی برای تمدن می پردازد.

۲- اضطراب نورتیک ناشی از تکانه های نهاد بر کنترل عادی خود

۳- اضطراب اخلاقی ناشی از انجام عمل خلاف وجدان اخلاقی یا ارزش های اخلاقی

اصول اساسی روان کاوی

غریزه در روان کاوی

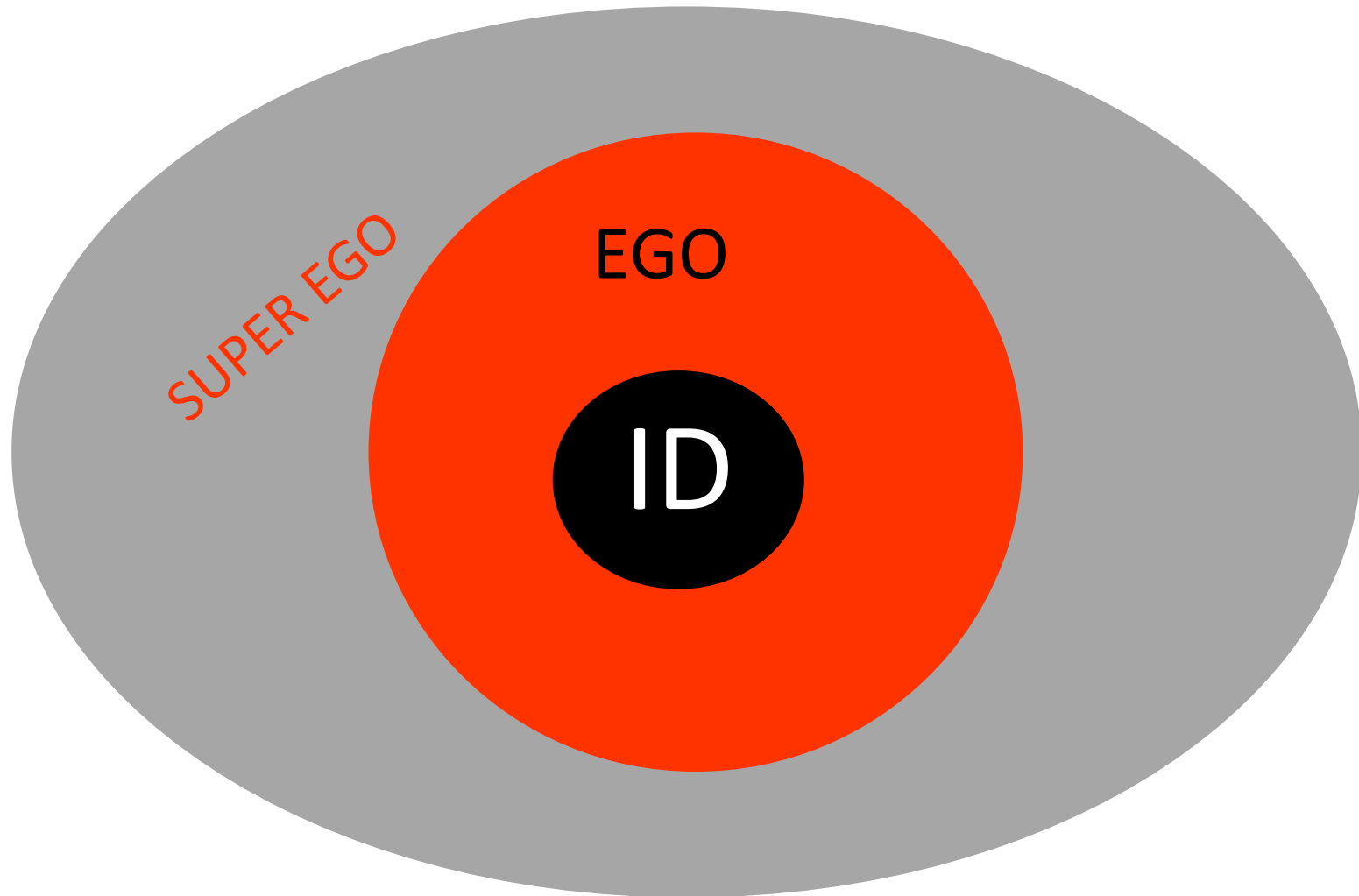


اصل لذت و اصل واقعیت



ساختمان شخصیت

سازمان شخصیت



دیدگاه یادگیری (رفتارگرایی)

این دیدگاه نیز مانند دیدگاه روان پویایی جبری محسوب می شود .
زیرا برای هر نوع رفتار علتی قائل است (به جای علت درونی و
ناخودآگاه علت بیرونی مثل تقویت کننده ها را نیز مورد تاکید
قرار می دهد) . رفتار چه خوب و چه بد محصول یادگیری و
شرطی شدن است .

همان گونه که رفتارهای عادی آموخته می شوند، رفتارهای
نابهنجار نیز آموخته می شوند.

طبق دیدگاه بندورا یادگیری مشاهده ای
نیز نقش دارد .

دیدگاه شناختی

مانند دیدگاه روان‌پویایی به انگیزه‌های درونی اعتقاد دارد اما نه به صورت ناخودآگاه به عبارت دیگر جریان‌های شناختی و ذهنی خاص که از آنها آگاهی داریم علت رفتار محسوب می‌شوند این دیدگاه، انسان را به عنوان یک پردازشگر اطلاعات و حل‌کننده مسائل می‌نگرد. گرچه اعتبار وقایع درونی و پنهان مورد تأکید تئوریه روان‌پویایی را می‌پذیرد، لیکن بر حالات، احساسات و شناخت‌های کنونی تأکید بیشتری داشته و تاریخچه گذشته فرد را کمتر مورد توجه قرار می‌دهد.

شناخت گرایي

این مکتب بر مطالعه روی فعالیتهای عالی مغز یعنی به یاد سپردن ، استدلال کردن ، تصمیم گرفتن و حل مسئله تاکید می‌کند. موضوعاتی که با مشاهده مستقیم و عینی قابل بررسی و مطالعه نیستند، اما می‌توان آنها را بصورت غیر مستقیم ارزیابی و استنباط کرد . نظریه‌های این مکتب نوعی بازگشت به اصول اولیه روان شناسی در قرن نوزده می باشد . با این تفاوت که روش و ابزار مطالعه علمی‌تر است .

دیدگاه انسان گرایی و اصالت وجودی

ریشه های این دو دیدگاه را باید در
نظام های فلسفی و مذهبی جستجو
کرد.

ظهور این دیدگاه ها ناشی از عکس
العملی است در برابر نظریه های
روان پویایی و رفتار گرایی

الف) اصالت وجود

بر اراده و مسئولیت انسان برای تسلط بر نیروهای محیطی تاکید ورزیده و معتقدند که انسان محصول انتخابات خویشتن است.

وجود انسان و معنای آن به طور کامل در اختیار خودش است و تنها اوست که می تواند درباره نگرش ها و رفتارهای خویش تصمیم بگیرد.

بر اساس نظریه اصالت وجودی ، کسانی که ناراحت هستند یا رفتار ناسازگارانه دارند، انتخاب عاقلانه و صحیح را انجام نداده اند. عمل درست یعنی شخص آزادانه هدف های خود را انتخاب نماید و عمل نادرست هنگامی است که دیگران هدفهای شخص را تعیین نمایند .

(ب) انسان گرایی



**ریشه اختلالات، نتیجه مسدود شدن راه های رسیدن به
تحقق خود و تمایلات معطوف به کمال است .**



دیدگاه اجتماعی

بر اساس این دیدگاه
، اختلال روانی
دست کم تا حدی
ناشی از شکست
نظام اجتماعی
حمایت کننده فرد
است .

گرچه زیر بنای اختلال
روانی ممکن است زیستی
باشد یا ناشی از ضایعات
دوران کودکی ، ولی وجود
فشار آورهای اجتماعی
نیز می تواند به همان
اندازه حائز اهمیت باشد .

افسردگی و دیدگاه ها

انسان گرایی و اصالت وجودی

نظریه های اصالت وجود در مورد افسردگی بر محور از دست دادن عزت نفس دور می زند .
یک علت شایع افسردگی در مردان از دست دادن شغل است و در زنان از دست دادن همسر.

در دیدگاه انسان گرایی، افسردگی ناشی از اختلاف میان خود آرمانی و خود واقعی به حد افراطی است .

افسردگی و دیدگاه ها

روان پویایی : تاکیدشان به از دست دادن شیء مورد علاقه یا فقدان شخص یا شیء یا موقعیت است . وجود یک وجدان تنبیه کننده قوی که ایجاد احساس گناه شدید می نماید نیز عامل افسردگی از نظر دیدگاه روانکاوی است.

شناختی : افسردگی ناشی از نوع تفکر منفی و تعبیر و تفسیرهای غلط از موقعیت و وضعیت است .

افسردگی و دیدگاه ها

یادگیری: افسردگی و فقدان تقویت
به هم مربوطند .

زیست شناختی : وراثت ، انتقال
توسط ژنها ، انتقال دهنده های
عصبی مخصوصا کوته کولامین
ها و ساختارهای عصبی .

دیدگاه های فوق در مورد اضطراب نیز
تقریبا نظری مشابه با افسردگی دارند.

تعریف اختلال روانی براساس DSM 5

اختلال روانی ، سندرومی است که ویژگی های اصلی آن عبارتند از: مختل شدن شناخت، کنترل هیجان ، یا رفتار به صورتی که از لحاظ بالینی معنادار باشد و نابسامانی فرایندهای روان شناختی ، زیست شناختی ، یا رشدی را که در پشت پرده عملکرد ذهنی قرار دارند، منعکس کند. اختلالات روانی معمولاً بارنج یا معلولیت قابل ملاحظه در فعالیت های اجتماعی ، شغلی ، یا سایر فعالیت های مهم همراه هستند

**در تعریف اختلال روانی، ویژگی هایی چون معلولیت،
رنج شخصی، نقض هنجارهای اجتماعی و نابسامانی به
کار رفته است، اما هیچ یک از این ویژگی ها به تنهایی
نمی تواند مفهوم اختلال روانی را به طور کامل تعریف
کند، ولی بخشی از این تعریف را پوشش می دهد.**

ملاک دی اس ام برای اطلاق یک اختلال روانی

الف. وجود تعداد معینی نشانه (مثلا ۶ تا از ۱۲ نشانه)

ب. حضور این تعداد نشانه در یک مدت زمان مشخص
(مثلا ۱ ماه یا ۶ ماه)

ج. تاثیر این نشانه ها بر عملکرد فردی ، اجتماعی ،
شغلی یا تحصیلی فرد

معیارهای بهداشت روان ازدیدگاه های مختلف

1)Absence of Mental Illness

2)Appropriate Social Behavior

3)Freedom from Worry & Guilt

4)Personal Competence & Control

5)Self-Acceptance & Self-Actualization

6)Unification & Organization of Personality

7)Open-Mindedness & Flexibility

۱- نبود بیماری روانی . از معیارهای (دی . اس . ام) .

۲- رفتار مناسب اجتماعی : این مقوله وابسته است به قضاوت اجتماعی درباره آنچه از نظر اجتماع

(جامعه) مناسب است . مثال های آن شامل پاکدامنی ، درستکاری در گزارش مالیاتی ، و نبود رفتار بزهکارانه است .

۳- آزاد از ناراحتی و گناه : فروید بیشترین نقش را در این معیار دارد

یکی از اهداف روانکاوی عبارت بود از تسکین بیماران از اضطراب ، ناراحتی و گناه غیر ضروری

۴- کفایت (شایستگی) و کنترل شخصی : در روان شناسی هیجان در کاهش تنش ها مورد توجه است

۵- خویشتن پذیری و خود شکوفایی : در دیدگاه روان شناسی انسان گرا بیشترین مطرح است

۶- وحدت و یگانگی در سازمان شخصیت : تاکید می کند که گوردون آلپورت دارد

۷- نداشتن تعصب و انعطاف پذیر بودن : آلبرت ایس براین موضوع تاکید دارد